

تبع آقای دکتر عزت‌اله عزیزی

وکیل پایه یک دادگستری

حقوق تطبیقی

## تقصیر در قانون مدنی ایران و فرانسه

### II تقصیر قراردادی (۱)

در مقاله پیشین خود ( مندرجه در شماره مسلسل ۲۵۸ مجموعه حقوقی )  
تقصیر جزائی را از تقصیر مدنی تفکیک نمودیم در این سطور اجمالاً بشرح موارد مختلفه  
آن در حقوق خصوصی خواهیم پرداخت .

اولاً تقصیر ممکن است ضمن عقد از طرف یکی از متعاملین سرزند و آنرا تقصیر  
قراردادی یا عقدی نامیده اند .

ثانیاً وقوع آن منوط بهیچگونه عقدی نبوده و باعث زیان دیگری گشته است  
در این صورت تقصیر سرچشمه اصلی مسئولیت مدنی بشمار میآید ، فعلاً قسم اول را  
مورد بررسی قرار میدهیم بانوجه به نص قوانین ایران و فرانسه چنین نتیجه عاید میگردد  
که هر دو قانون مسئله مزبور را تحت لوای دو اصل کلی نموده اند

قاعده اول - قانون ایران دال بر این است که هرگاه کسی مال غیر را  
بعنوانی متصرف باشد باید آنرا بطوریکه نسبت بآن مال متعارف است حفظ کند  
و همین اصل را قانون فرانسه بنحومتشابهی بیان میکند هرگاه کسی حفظ مالی را بمعده  
گرفت باید همانند صاحب خانواده خوبی<sup>۲</sup> در نگاهداری آن بکوشد ( ماده ۱۱۳۷ کد

ناپلئون) قانون مدنی ایران قاعده کلی فوق را در موارد ذیل بموقع اجراء گذارده است.  
(۱) طبق مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مدنی امین ضامن تلف یا نقصان مالی که

باو سپرده شده است نمیشاید مگر در صورت تعدی یا تفریط امین در قانون ایران  
برخلاف قانون فرانسه دارای وضعیت حقوقی خاصی نیست و چنانچه مشهود میافند  
تقریباً کلیه متصرفین مال غیر را بوضعیت قانونی مستودع تشبیه و مقررات این قانون

(1) LA Faute Contractuelle

(2) LE Bon Père de Famille

را نسبت بآنان ملحوظ میدارد ( ماده ۶۳۱ قانون مدنی) اما قانون فرانسه (طبق ماده ۱۹۲۷) اصل نموده بالا را بنحو خاصی درباره امین اجراء نموده است امین موظف است بهمان طریق که مال خود را حفظ میکند مال ودیعه را نیز نگاهداری نماید اگر مستودع طبیعتاً شخص سهل انگار و بی مبالاتی است و مال خود را بنحو شایسته حفظ نمیکند نمیتوان از او خواستار حفاظت خاصی برای مال ودیعه بود مگر در صورتیکه امین خود دار طلب حفظ مال ودیعه شده و یا اجرتی برای نگاهداری آن مال دریافت کرده و یا عقد ودیعه فقط بنفع مستودع بوده و یا صریحاً مستودع ضامن شده باشد چون امین مال ودیعه را مجاناً نگاهداری میکند قانون فرانسه بطریق سهلی که مذکور افتاد با وی رفتار میکند و انگهی بر مودع است که در انتخاب امین دقت کافی بعمل آورد و شخص بی مبالا و بی احتیاطی را برای حفظ مال خود برنگزیند.

(۲) مستعیر مال عاریه را باید بطور متعارف حفظ کند و ضامن تلف یا نقصان آن نمیشود مگر در مورد تعدی یا تفریط قانون فرانسه نیز اضافه میکند در صورت بروز حوادثی که دفع آن از اقتدار مستعیر خارج است اگر مستعیر مال عاریه را مورد انتفاع قرار داده و مال خود را کنار گذارده باشد (در صورتیکه دارای همان مال باشد) مسئول منقصت مال عاریه بشمار میآید و نیز اگر توانسته یکی از آن دو مال را از خطر نجات دهد و مال خود را از تلف صیانت نموده باشد ضامن است چون عقد عاریه تنها بنفع مستعیر است لذا لازم است که مال عاریه حتی المقدور محفوظ بماند.

(۳) مالی که جعاله برای آن واقع شده است از وقتی که بدست عامل میرسد تا بجاعل رد کند در دست او امانت است لذا احکام عقد ودیعه در عقد جعاله نیز جاری است (ماده ۵۶۹)

(۴) مضارب در حکم امین است و ضامن مال مضاربه نمیشود مگر در صورت تفریط یا تعدی (ماده ۵۵۶)

متعارف مواظبت در زراعت ننماید و از این حیث حاصل کم شود یا ضرر دیگری متوجه مزارع گردد عامل ضامن تفاوت خواهد بود (۵۳۶)

(۶) مادتین ۵۸۴ و ۵۷۷ قانون مدنی قاعده کلی فوق الذکر را در عقد شرکت ملحوظ و چنین مقرر میدارد شریکی که مال الشرکه در ید اوست در حکم امین است و ضامن تلف و نقص آن نمیشود مگر در صورت تفریط یا تعدی و دیگر آنکه شریکی که در ضمن عقد باداره کردن اموال مشتركه ماذون شده است میتواند هر عملی را که لازمه اداره کردن است انجام دهد و بهیچوجه مسئول خسارات حاصله از اعمال خود نخواهد بود مگر در صورت تفریط یا تعدی.

(۷) بنحو مذکور متصدیان حمل و نقل اعم از اینکه از راه خشکی یا آب یا هوا باشد برای حفاظت و نگاهداری اشیائی که بآنها سپرده میشود همان است که برای امانت داران مقرر است بنا بر این در صورت تفریط مسئول تلف یا ضایع شدن اشیائی خواهند بود که برای حمل به آنها داده میشود (ماده ۵۱۶ قانون مدنی) اما قانون تجارت از این قاعده کلی منحرف گشته و طبق اصل دوم که بدان اشاره خواهد شد طریقه شدید تری نسبت بمتعهد مقرر داشته طبق ماده ۳۸۶ قانون تجارت ایران همانند تصمیمات دادگاههای فرانسه متصدی حمل و نقل نمیتواند تنها باتکاء باین امر که در حفظ مال بنحو متعارف کوشیده از تعهد خود برائت حاصل نموده است مگر اینکه ثابت نماید تلف یا کم شدن مال التجاره مربوط بجنس خود کالا یا مستند بتقصیر ارسال کننده و یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط بحوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمیتوانست از آن جلوگیری نماید.

(۸) مستاجر با توجه بقسمت ۱ و ۲ ماده ۹۰ از قانون مدنی باید در استعمال عین مستاجره بنحو متعارف رفتار کرده و تفریط و تعدی نکند و عین مستاجره را برای همان مصرفی که در اجاره مقرر شده و در صورت عدم تعیین در منافع مقصوده که از اوضاع و احوال استنباط میشود استعمال نماید و قانون بر این امر صراحت دارد که مستاجر نسبت بعین مستاجره ضامن نیست اگر عین مستاجره بدون تفریط یا تعدی او کلاً

یا بعضاً تلف شود مسئول نخواهد بود ولی اگر مستأجر تفریط یا تعدی نماید ضامن است اگر چه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد. بین دو قانون ایران و فرانسه تفاوت کلی ذیل وجود دارد در صورت تلف عین مستأجره در اثر حریق کد ناپلئون توسل بفرض قانونی کرده و چنین مقرر میدارد مستأجر مسئول خسارات ناشی از آتش‌سوزی میباشد مگر آنکه ثابت نماید که با حریق در اثر حوادثی رخ داده که دفع آن از اقتدار او خارج است و یا از عیب ساختمان ناشی شده و یا اینکه آتش از خانه همسایه بملک مورد اجاره سرایت نموده است دیوان کشور فرانسه چنین اتخاذ تصمیم نموده که علل سقوط تعهد مندرجه در ماده ۱۷۳۳ کد مدنی کاملاً محدود و منحصر به همان جهات سه‌گانه نامبرده میباشد زیرا اصل فرض قانونی است بدین بیان که حریق غالباً در اثر تقصیر اشغال‌کننده محل بوقوع می‌پیوندد<sup>۱</sup> لذا طبق رویه مزبور در مواردیکه علت آتش‌سوزی مجهول میباشد و یا اینکه مستأجر نمیتواند با ابراز ادله مثبت و مستقیم علل سقوط تعهد خود را چنانکه قانون مقرر داشته اثبات کند مسئول خسارات ناشی از حریق شمرده و باید جبران آنرا بنماید و مادام که ساختمان بصورت اولیه برنگشته و هوجر از عایدات آن محروم مانده مستأجر ملزم است این خسارات وارده را نیز پردازد.

چنانکه ملاحظه میشود قانون فرانسه تعهد بسیار سنگینی را برعهده مستأجر تحمیل مینماید و بهمین لحاظ مستأجرین معمولاً خود را در برابر بروز اینگونه حوادث بیمه مینمایند.

(۹) در باب عقد بیع نکته مهمی لازم است مورد مذاقه قرار گیرد بنابراین قسمت

۱ ماده ۳۶۲ قانون مدنی ایران بمجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک

۱ - قانون فرانسه این فرض قانونی را از حقوق روم اقتباس نموده و جمله لاتین آن بدین

بیان است.

ثمن میشود و طبق ماده ۳۸۷ قانون نامبرده اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهماً از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید بمشتری مسترد گردد مگر اینکه بایع برای تسلیم بحاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در اینصورت ثلث از مال مشتری خواهد بود در کلیه مواردیکه در این سطور مورد بررسی قرار گرفت مشهود افتاد که مستودع - مستعیر - مستأجر - عامل - مضارب - شریک - متصدی حمل و نقل (در غیر موارد تجاری) و حتی قیم یا ولی<sup>۱</sup> و بطور کلی طبق مواد ۲۷۸ و ۲۳۱ قانون مدنی متصرف مال غیر بهر عنوانی ضامن نمیشد مگر در صورت تفریط یا تعدی اما در مورد بیع قانون بایع را عملاً (زیرا قانوناً رد ثمن در نتیجه انفساخ بیع بعمل میآید) ضامن قرار داده و از قاعده کلی (Res perit domino) تلف از مال مالک است منحرف گشته اگرچه تنها قانون ایران چنین اتخاذ تصمیم ننموده زیرا در آلمان و اسپانیا موضوع مزبور را بطریقه که در ایران مجری است حل نموده اند ولی قوانین فرانسه و ایتالیا راه منطقی تری را پیموده و تلف یا نقصان مال را از آن مشتری دانسته اند (مقصود از مال عین شخص است)

قاعده دوم مفاد مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران حاکی از اصل دوم است متعهد ملزم است تعهدات خود را انجام دهد مگر آنکه ثابت نماید که عدم انجام بواسطه علت خارجی بوده است که نمیتوان مربوط باو نمود و قانون فرانسه طبق ماده ۱۱۴۷ کد مدنی قاعده مزبور را بنوبه خود مقرر نموده است اصل دوم از اصل اول شدید تر بنظر میرسد زیرا متعهد نمیتواند تنها با اثبات این امر که بنحو متعارف در انجام تعهد خود اقدام نموده براثت حاصل کرده است مگر آنکه ثابت کند که عدم انجام تعهد ناشی از علت خارجی میباشد و دفع آنهم از حیطة اقتدار او خارج است اگر متعهد نتوانست از عهده اثبات این امر برآید مسئول شناخته میشود

(۱) ماده ۱۲۳۸ قانون مدنی رجوع شود قیم مسئول خسارات غیر مستقیم ناشی از تقصیر

بهترین مثالی که برای وضوح مطلب میتوان اقامه نمود همان مسئولیت متصدی حمل و نقل طبق ماده ۳۸۶ قانون تجارت میباشد متعهد در صورتی میتواند برائت حاصل کند که ثابت نماید که تلف یا گم شدن مال التجاره مربوط بحوادثی است که دفع آن از اقتدار او و هر متصدی مواظب دیگری خارج است مسئله مهمی که نیز باید مورد توجه قرار گیرد طریقه نوام نمودن و موارد بکار بردن دو قاعده فوق الذکر است.

پرفسور کایمتان در کتاب خود چنین نگاشته - هرگاه موضوع عقد تعهد معین باشد مانند حفظ مالی (عین شخصی) قاعده اول مورد استفاده است چنانچه دیدیم در قانون مدنی ایران این اصل در کلیه عقودیکه طبق آن شخصی متعهد میشود مال غیر را بعنوانی حفظ نماید باید بطور متعارف در نگاهداری آن اقدام کند در قانون ایران تنها بایع از این قاعده کلی برکنار مانده و در قانون فرانسه مستودع و نیز در دو کشور نامبرده مقرض مستثنی گشته است<sup>۱</sup>

اصل مزبور در عقودی نیز جاری است که موضوع آن تعهد اقدام بامر معین و مشخصی باشد مانند تعهد وکیل در عقد وکالت اگر موکل از وکیل خود شاکی باشد وکیل باید ثابت کند که در انجام امر موکوله بنحو متعارف اقدام نموده<sup>۲</sup> قاعده دوم مربوط بکلیه سایر موارد میباشد یعنی عقودیکه موضوع آنها انتقال مالکیت اموال (عین کلی) یا اقدام بامری و یا خودداری از انجام بامری است مثلاً اگر صاحب کارخانه تعهد نماید که هزار عدد پتو در ظرف دو ماه تحویل نماید مسئول است و در صورت عدم انجام تعهد مزبور بشرطی میتواند برائت حاصل کند که ثابت نماید که عدم انجام منوط بعلمت خارجی است و دفع آن از عهده او خارج میباشد.

در طریقه اثبات و چگونگی دلالتی که میتوان ابراز نمود -

اگر تعهد بثبوت رسید بر متعهد است که ثابت نماید که بنحو متعارف در انجام تعهد

(۱) اگر مالی که موضوع قرض است بعد از تسلیم تلف یا ناقص شود از مال مقرض است (۲۴۹)

(۲) هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی بموکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب میگردد

خود اقدام نموده و برائت حاصل کرده است (موارد اول) و یا در اثر علت خارجی که دفع آن از حیطه اقتدار او خارج است بری گشته (موارد دوم) و اگر متعهد له مدعی ارتکاب تقصیر از ناحیه متعهد شود اثبات تعدی یا تفریط بر عهده او است طبیعت امور بالا چنین تجویز مینماید که تقصیر یا علل خارجی را که سبب سقوط تعهد گشته یا ابراز هر گونه دلیلی اثبات نمود بویژه با شهادت و امارات و مقصود از امارات اوضاع و احوال در خصوص مورد میباشد و بنظر قاضی واگذار میشود.

نگارش آقای فرنی

وکیل پایه یک دادگستری

## اشتباهات قلمی در اسناد مالکیت

مدت زمانی است که موضوع اصلاح قوانین در مجلس و مقامات وزارت دادگستری مورد بحث واقع و از طرف وزارت دادگستری باشخاص ذی صلاحیت و وکلاء دادگستری پیشنهاد شده است تا هر کس اصلاح قانونی را لازم میدانند طرح اصلاحی منظور را تهیه و بوزارت دادگستری تقدیم دارد.

قطع نظر از موضوعاتی که بملاحظه اغراض خصوصی و منافع شخصی در مدت ۲۰ سال اخیر بصورت قانونی در آمده و همواره نتایج بد آن در جامعه ایرانی اثر خود را ظاهر میسازد در قوانینی که نیز بطور طبیعی و در مورد لزوم خالی از اغراض شخصی بتصویب رسیده است همچنان موادی یافت میشود که با قوانین دیگر مخالفت و تناقض داشته و در مقام آزمایش چندین ساله لزوم تغییر و اصلاح آنها آشکار گردیده است. از جمله یکی ماده ۲۲ قانون ثبت املاک و اسناد است که بعلم مخالفتی که با بسیاری از مواد قانون مدنی و قانون بازرگانی دارد تغییر آن ضروری بنظر میرسد و نگارنده سابقاً در اینباب مطالعه کافی نموده و در زمینه اصلاح آن ماده پیشنهادی بوزارت دادگستری تقدیم و اصلاح آنرا درخواست نموده ام و با آنکه اصلاح ماده